



## فهرست

- ۹ ..... پیشگفتار مترجم
- ۱۵ ..... مقدمه استاد مصطفی ملکیان
- ۱۹ ..... پیشگفتار ناشر عربی
- ۲۱ ..... پیشگفتار مؤلف
- ۲۷ ..... مقدمه: روح تمدن خاورمیانه
- ۴۵ ..... ابن مقفع
- ۴۷ ..... زندقه
- ۵۵ ..... زندیقان پیشرو
- ۶۱ ..... ابن مقفع و زندقه
- ۶۹ ..... باب برزویه در کلیله و دمنه
- ۸۳ ..... ابن راوندی
- ۱۰۷ ..... قطعات کتاب زمرد براساس مجالس مؤیدیه
- ۱۱۴ ..... قطعات کتاب زمرد براساس آثار دیگر
- ۱۱۶ ..... ساختار کتاب زمرد

تحلیل محتوای زمرد..... ۱۱۸  
 کتاب زمرد و دفاع کندی..... ۱۲۴  
 برهمنان در کتاب زمرد..... ۱۳۲  
 ردیه‌های نوشته شده بر کتاب‌های ابن‌راوندی..... ۱۴۵  
 تحلیل ردیه‌های اسماعیلی..... ۱۵۲  
 در باب زندگی ابن‌راوندی..... ۱۵۷

محمد بن زکریای رازی..... ۱۹۱  
 نقد نظریه نبوت..... ۱۹۵  
 نقد ادیان..... ۲۰۳  
 نقد کتاب‌های مقدس..... ۲۰۹  
 □ سخن پایانی..... ۲۲۳  
 □ پیوست..... ۲۲۷  
 جابر بن حیان..... ۲۲۷  
 □ مستندات پراکنده درباره ابن‌مقفع و فرزندش..... ۲۳۷  
 □ کتاب‌نامه..... ۲۴۳

### پیشگفتار مترجم

اثری که پیش رو دارید ترجمه کتاب من تاریخ الاحاد فی الاسلام تألیف عبدالرحمان بدوی متفکر سرشناس مصری است. این کتاب از نخستین آثاری است که به موضوع الحاد در تمدن اسلامی پرداخته و با آنکه بیش از ۷۰ سال از چاپ نخست آن در مصر می‌گذرد، احتمالاً هنوز از مهم‌ترین و جدی‌ترین آثاری است که در این حوزه انتشار یافته است. مقالات این کتاب به صورت منفرد نوشته شده و بدوی علاوه بر آنکه برخی قسمت‌های این کتاب را نگاشته، وظیفه گردآوری مقالات و تدوین این مجموعه را نیز به عهده داشته است. صرف نظر از مقالات بدوی، نوشته‌های سه محقق دیگر در این مجموعه آمده است که عبارتند از: پل کراوس، فرانچسکو گابریلی و کارلو آلفونسو نالینو.

در مورد عنوان کتاب ذکر این توضیح ضروری است که واژه «الحاد» از جمله واژه‌هایی است که دلالت و شمول معنایی آنها در طول زمان تغییر یافته و امروزه در معنایی کمابیش متفاوت با معنایی که گذشتگان اراده می‌کردند به کار می‌رود. الحاد در معنای نخست خود در زبان عربی مترادف «انحراف» است و ملحد در این معنا به فردی اطلاق می‌شود که از یک راه یا آیین منحرف شده است؛ اما الحاد رفته‌رفته در ادبیات اسلامی معنایی ثانوی یافت و تبدیل به یک اصطلاح شد؛ الحاد در معنای اصطلاحی خود به معنای «انکار ادیان به طور عام و یا انکار اسلام به طور خاص» به کار رفت. ملحد در این معنا فردی بود که یا اساساً منکر نبوت و انبیا علیهم‌السلام بود و یا اینکه دست‌کم اسلام و نبوت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را انکار می‌کرد. در این کتاب همین معنا از الحاد مراد بوده است؛ اما امروزه در زبان فارسی الحاد شمول معنایی وسیع‌تری هم یافته و در معنای سومی نیز به کار می‌رود. معنای الحاد در کاربرد امروزی زبان فارسی از حد انکار انبیا علیهم‌السلام فراتر رفته و به «انکار خداوند» رسیده است. ملحد امروزه معمولاً مترادف با فرد «ناخدا باور»

دانسته می‌شود و این در حالی است که در ادبیات قدیم اسلامی معمولاً از افراد ناخدا باور با عناوینی چون «دهری» یا «طبیعی»، نه ملحد یاد می‌شده است. همان‌طور که اشاره شد الحاد در این کتاب در معنای ثانوی خود به کار رفته است و از این رو جای شگفتی نیست که ملحدانی که در این کتاب به آنها پرداخته شده علی‌رغم انکار نبوت به وجود خداوند باور دارند و بعضاً در این عقیده بسیار استوارند. حاصل آنکه اگر بخواهیم از ادبیات قدیم اسلامی استفاده کنیم باید بگوییم موضوع این کتاب ملحدان هستند و نه دهریان.

ذکر این نکته نیز ضروری است که دسترسی ما به آراء و نظرات ملحدانی که در این کتاب از آنان سخن به میان آمده، دسترسی مستقیم نیست بلکه تقریباً تمام گفته‌های آنان از خلال ردیه‌هایی که بر آنها نوشته شده باقی مانده است. لذا ما در این کتاب علاوه بر سخنان ملحدان با نقد و رد آن سخنان نیز مواجه می‌شویم. برای نمونه مؤیدالدین اسماعیلی در مجلس پانصد و هفده از کتاب مجالس مؤیدیه، یکی از عام‌ترین استدلال‌های ملحدان در انکار نبوت را می‌آورد: برهمنان<sup>۲</sup> گفته‌اند که خداوند به انسان عقل عطا کرده است تا راه راست را بیابد؛ آموزه‌های ادیان نیز از دو حال خارج نیستند یا آنچه را عقل بدان حکم می‌کند تأیید یا رد می‌کنند؛ اگر تأیید کنند که به وجودشان نیاز نیست چون ما به خود عقل دسترس داریم و اگر رد کنند که باطل‌اند چون چیزی که خلاف حکم عقل باشد باطل است. مؤیدالدین نیز در پاسخ می‌گوید که این درست است که آدمی از عقل بهره‌مند است اما عقل در آدمی به صورت نیرویی بالقوه است و حتماً نیاز به وجود پیامبرانی است تا آن نیروی بالقوه را فعلیت بخشند و لذا آموزه‌های ادیان در برابر احکام عقل نیست بلکه بیدارکننده و برانگیزاننده آنها است.<sup>۳</sup> در سایر موارد نیز چنین است و سخنان ملحدان با نقد و ردهای مکفی و مناسب از سوی مسلمانان همراه شده است.

این کتاب علاوه بر پیشگفتار، از یک مقدمه، سه فصل و دو ضمیمه تشکیل شده است. پیشگفتار و مقدمه کتاب به قلم عبدالرحمان بدوی است. کوشش نویسنده در پیشگفتار و مقدمه آن بوده که بتواند به این سؤال پاسخ دهد که چرا الحاد در اسلام برخلاف الحاد در غرب، به نفی نبوت محدود ماند و چرا ملحدان تیر خود را به سمت نبوت نشانه رفتند نه الوهیت. وی برای پاسخ به این سؤال به واکاوی روح تمدن خاورمیانه پرداخته است. وی تلاش کرده با تمرکز بر خصلت بنیادین روح تمدن خاورمیانه یعنی باور داشتن به تمایز قاطع بین روح و نفس و کارکرد میانجی‌گرایانه پیامبر بین این دو، به پاسخ سؤال دست یابد. فصل اول کتاب به ابن مقفع، از پیشروان جریان الحاد در اسلام اختصاص یافته است. این فصل خود از سه بخش

تشکیل شده است؛ در بخش اول که به قلم بدوی است، مفهوم زندقه و رابطه آن با مانویت بررسی شده است. بخش دوم این فصل را فرانچسکو گابریلی نوشته و موضوع آن بررسی رابطه ابن مقفع با جریان زندقه است. سؤال مشخصی که محقق در پی یافتن پاسخش بوده عبارت از آن است که چطور می‌توان از یک سو پذیرفت که ابن مقفع مانوی بوده و از سوی دیگر وی را فردی شکاک دانست؟ بخش سوم این فصل به قلم پل کراوس است؛ وی در این بخش تلاش کرده که از طریق مقایسه بخش‌هایی از باب برزویه طیب کلیل و دمنه با بخش‌های به‌جامانده از کتاب منطق نوشته پولس فارسی، این گمانه را مطرح کند که اصل نوشته برزویه پیش از آنکه توسط ابن مقفع به عربی ترجمه شود نیز حاوی برخی اندیشه‌های شکاکانه نسبت به ادیان بوده است. فصل دوم کتاب درباره ابن راوندی است؛ این فصل که بیشترین حجم کتاب را به خود اختصاص داده به تمامی نوشته پل کراوس است. پل کراوس در این فصل به طور مفصل به عقاید ابن راوندی و کتاب زمرد وی پرداخته است. کراوس توانسته از خلال کتاب مجالس مؤیدیه از مؤیدالدین شیرازی داعی بزرگ اسماعیلیان به قسمت‌های زیادی از کتاب زمرد ابن راوندی دست یابد و در ادامه تلاش کرده که تصویری واضح از عقاید ابن راوندی که از زبان برهمنان در این کتاب بیان شده به دست دهد.<sup>۴</sup> وی پس از بررسی کتاب زمرد از نظر ساختار و محتوا به مباحثی مرتبط با کتاب زمرد پرداخته است و از جمله اظهارات الحادی منسوب به کندی را مورد تدقیق قرار داده است و سپس به تصویر ارائه شده از برهمنان در کتاب زمرد و تسری آن به ادبیات اسلامی پرداخته است. کراوس در ادامه فهرستی از ردیه‌های نوشته شده بر آثار ابن راوندی عرضه کرده و به طور خاص بر تحلیل ردیه داعی اسماعیلی تمرکز کرده است. محقق در آخرین بخش این فصل کوشش کرده که به زندگی و تحولات روحی ابن راوندی بر اساس منابع موجود نزدیک شود و طرحی اجمالی از سوانح زندگی وی ارائه دهد. فصل سوم کتاب به آراء الحادی محمد بن زکریای رازی اختصاص یافته است. این فصل به قلم بدوی است؛ وی در این فصل نشان داده که چگونه الحاد اسلامی در وجود رازی به اوج خود می‌رسد. بدوی در این فصل با اتکا به رساله‌های به‌جامانده از رازی و همچنین از طریق ردیه‌های نوشته شده بر آثار او تصویری منسجم از جهان‌بینی رازی و موضع او در برابر ادیان ارائه می‌دهد و به طور مفصل نقدهای رازی بر نظریه نبوت، ادیان و کتاب‌های مقدس را تشریح و تحلیل می‌کند. بدوی در ضمیمه نخست کتاب خلاصه‌ای از مطالعات مفصل پل کراوس درباره آراء جابر بن حیان عرضه می‌کند و به ویژه توضیحات جالب توجهی در مورد نظریه جابر در آفرینش مصنوعی انسان می‌دهد اما ارتباط اندیشه‌های جابر بن حیان را با الحاد که موضوع اصلی کتاب است مشخص نمی‌کند. ضمیمه